



سیر تحول و طبقه بندی اژدها در نگارگری ایرانی

□ دکتر علیرضا طاهری

چکیده

واژه "اژدها" در فارسی به صورت "اژدر" و "اژدرها" بکار می رود. این موجود افسانه ای در بسیاری از داستان ها، ادبیات عامیانه و فولکلوریک فارسی به عنوان مظهر شر حضور یافته و طی یک نبرد، تقریباً در همه موارد مقهور قهرمان داستان می شود. اژدها در نگارگری ایرانی، بیشتر تحت تاثیر همتای چینی خود بوده است ولی با این وجود نمونه هایی هم از اژدهای متأثر از اژدهای غربی وجود دارد.

بیشترین بررسی ها و تحقیقات صورت گرفته در خصوص اژدها، بر روی مفاهیم نمادین و داستان های اسطوره ای و مذهبی است. به نظر می رسد که شکل و توانایی های مار عامل بسیار مهمی در خلق این موجود افسانه ای در نگاره های مختلف باشد.

اهداف مقاله:

- ۱- بررسی سیر تحول اژدها فرمی و مفهومی
- ۲- طبقه بندی ساختار فیزیکی اژدها بر اساس نگاره های ایرانی. روش انجام تحقیق، به صورت تحلیلی و مقایسه ای با توجه به تعداد قابل تأمل نگاره هایی که اژدها را تصویر کرده اند، نمونه های مناسب انتخاب و مقایسه آنها به لحاظ شکل ظاهری صورت می پذیرد.

سوالات مورد نظر:

- ۱- ساختار فیزیکی و تنوع اشکال اژدهایان تصویر شده در نگارگری ایرانی بر مبنای چیست؟
 - ۲- چگونه می توان تصاویر گوناگون ارائه شده از اژدها را طبقه بندی نمود؟
- بر اساس تصاویر و طرح های اژدها در نگارگری، پنج گروه اصلی در این پژوهش مورد شامل:
- ۱- "اژدها-مار" ۲- "اژدها-مار" دوپا ۳- "اژدها - مار" دوپای بالدار ۴- "اژدها-مار" چهارپا ۵- "اژدها-مار" چند سر.
- در همه این گروه ها، اژدها خصلت مار بودن خود را حفظ نموده است.

واژه های کلیدی:

نگارگری ایرانی، اژدها، ساختار فیزیکی، تحلیل و مقایسه

□ تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۲۰

□ تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۱

□ استادیار دانشکده هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان taheri121@yahoo.com

مقدمه

اژدهای نقش شده در نگاره‌های ایرانی از جنبه‌های متفاوت و دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند. فراوانی اصطلاحات گوناگون برای نامیدن اژدها در بین تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف یکی از مشکلات موجود بر سر راه تحقیق و پژوهش آن است. به این‌ها باید مشکل دیگری نیز افزود و آن ترکیب و ساختار فیزیکی و به سخنی دیگر، ریخت‌شناسی اژدهاست؛ بدین معنی که تصاویر متفاوتی از این موجود افسانه‌ای از یک شکل ساده مارمانند، تا گونه‌های پیچیده و ترکیب شده از حیوانات مختلف وجود دارد. این موضوع در رابطه با اژدهای ایرانی نیز مصداق دارد.

بیشترین بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته در خصوص اژدها، بر روی مفاهیم نمادین، داستان‌ها و روایات مذهبی، پهلوانی و همچنین ساختار فیزیکی و تنوع توانایی و قدرت‌های فرض شده برای اوست. در نگارگری ایرانی، تصویر اژدها بیشتر بر مبنای ظاهر و توانایی‌های مار شکل گرفته و در نگاره‌های مختلف به لحاظ ریخت و ظاهر تفاوت‌هایی پیدا نموده است.

اژدها در ادبیات و فرهنگ عامه

اژدها که در فارسی به صورت "اژدر" و "اژرها"، و در عربی "تین" و "نعبان" به کار می‌رود، جانوری اساطیری است به شکل سوسماری عظیم و دارای دو بال مانند، که آتش از دهان می‌افکند و پاس گنج‌های زیرزمینی می‌داشته است. صاحب عجایب المخلوقات^۱ گفته: مار را درازی به سی گز رسد و عمر به صد سال، آن را اژدها خوانند. اژدها اغلب "چشم تیزبین" نیز نامیده شده است، زیرا چشمان درخشان و براقی دارد. مار فاقد پلک بوده و چشمان او همیشه باز است، بنابراین می‌تواند محافظ و نگهبان بسیار مناسبی برای گنج‌های زیرزمینی باشد.

این توضیحات بسیار نزدیک به اژدهاست. همچنین، بسیاری از خصوصیات فیزیکی دیگر مار نیز در اژدها دیده می‌شود: خمیدن، به دور خود پیچیدن، خزیدن، حلقه زدن،... این جانور عظیم و فراخ دهان و بسیار دندان و دراز بالا، در بسیاری از داستان‌های عامیانه، مظهر شر و تقریباً در همه موارد، قهرمان داستان بر او پیروز می‌شود. نبرد میان قهرمان و اژدها، در واقع تعبیر دیگری است از کشمکش انسان ابتدایی برای نیل به خود آگاهی، در این‌جا نیروهای کیهانی و شر، به صورت اژدها و سایر عفریت‌ها نمودار می‌شوند.^۲ در شاهنامه موارد بسیاری هست که درفش پهلوان‌ها، اژدها پیکر تصویر شده‌اند. رستم با آن که پسر زال و از خاندان سام است، درفش آراسته به نقش اژدها دارد که مظهر خاندان مهرباب شاه کابلی^۳ است. این امر اشاره‌ای مبهم به نهادی ابتدایی دارد که فرزند متعلق به خانواده مادری بوده است چون رستم نژادش از طرف مادر به ضحاک^۴ ماردوش (تصویر ۱) می‌رسد، اژدها توتم خانوادگی او محسوب می‌شود.^۵ در اوستا نیز توصیفاتی در رابطه با اژدها وجود دارد: در پشت نوزدهم به یکی از اعمال قهرمانی گرشاسب^۶ یعنی کشتن اژدها سرور^۷ یا شاخدار اشاره شده است.

این اژدها که در پشتش رگه کلفتی به ضخامت یک انگشت مملو از زهر جریان داشت، اسب‌ها و آدمیان را می‌بلعد.^۸ در انجمن اهریمنان افسانه‌ای یشت‌ها، "اژی" همان مار یا اژدهای تمام عیار و اژی دهاک، اژدهای کلاسیک داستان‌های عامیانه است که هزاران حیل در چنته دارد.

اژدها از روزگاران کهن در اساطیر اقوام و ملل مختلف تجلی داشته و در شاهنامه از نبرد قهرمانان با اژدها به دفعات یاد شده است.^۹ به طور کلی اغلب ایرانیان باستان صورت اژدها را بر سر نیزه خود می‌کردند و رومیان نیز در عصر طریانیوس^{۱۰} (تراژان) آن را از ایرانیان تقلید کردند.^{۱۱} چنانکه گفته شد، گرشاسب، دارنده کمان چفته که زه کمانش چون کمندی از چرم هژیر بود، اژدر شاخدار را کشت. گرشاسب اژدر، اژدهای زهرآگین و زردفام را که زهرش را به درازای یک نیزه به بالا می‌افشاند، هلاک ساخت، همان اژدهایی که دندان‌هایش به سترگی بازوان یک انسان بود. چشمش به بزرگی گردونه و شاخش به درازای تنه درخت.^{۱۲} در اساطیر بین‌النهرین نیز اژدها حضور دارد، مظهر مردوک نقش اژدهاست، معانی نمادین دیو-اژدها عبارتند از: استبداد، خشکسالی، هرج و مرج،...^{۱۳}

۱- قزوینی، زکریا محمد بن محمود، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، به اهتمام نصراله سبحی، تهران، بی‌تا، ص ۱۴۰.

۲- هندرسن، جوزف، اساطیر باستانی (انسان امروز) انسان و سمبول‌هایش، ترجمه ابوطالب صامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۱۰۸.

۳- مهرباب (امیر کابل)، مردی دلیر و خردمند که با جگرزار سام نریمان (امیر زابلستان) بود. نژاد او اصالتاً به ضحاک می‌رسید. زال بر رودابه، دختر مهرباب، دل باخت و حاصل این پیوند رستم بود. (یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیری و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، سروش، ۱۳۷۵، ص ۴۰۶)

۴- ضحاک (آژروهاک، اژدهاکف، اژدهاق، اژدر،...) بنا بر روایات کهن، نام دیو بسیار زورمندی است که اهریمن وی را با سه پوزه و سه کله و شش چشم برای جهان مادی بیافرید... در اوستا او به صورت اژدها و مار در آمده و به صورت جانوری مهیب تصویر شده است. دار مستتر داستان ضحاک را بازمانده یکی از اساطیر کهن می‌داند. (همان ص ۴۰۹)

۵- همان ص ۷۶.

۶- گرشاسب، جهان پهلوان ایرانی از اعقاب فریدون، که در اوستا به صفت نرمنش و پهلوان نامیده شده است. در اوستا، گرشاسب قهرمان پیروز در چندین حادثه بزرگ است: اژدهای بزرگی را می‌کشد، بر دیوی به نام گندرو پیروز می‌شود. (همان ص ۳۶۲)

۷- Saravara

۸- رضائی، عبدالعظیم، تاریخ دو هزار ساله ایران، ج اول، ج پنجم، تهران، اقبال، ۱۳۷۳، ص ۸۹.

۹- سومین خان از هفت خان رستم، نابود ساختن یک اژدهای سهمگین، اسفندیار نیز اژدهای آتشین دهان را می‌کشد، گشتاسب هم در دیار روم اژدهایی را می‌کشد. (یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیری و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، پیشین، ص ۷۶)

۱۰- یکی از قصرهای روم قدیم که به سال ۵۲ م. در ایتالیا یکی از بلاد اسپانی به دنیا آمد و از سال ۹۸-۱۱۷ م. در روم پادشاهی کرد و از سال ۱۰۵-۱۰۱ م. با داس‌ها و پارت‌ها جنگید تا سرانجام بر هر دو غلبه یافت و آنان را تحت فرمان خود آورد. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۰۶۸)

۱۱- درویش، محمدرضا، گامی در اساطیر، اصفهان، انتشارات بابک، ۱۳۵۵، ص ۶۵.

۱۲- متناصری، جابر، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران، سروش، ۱۳۷۰، ص ۴۵.

۱۳- جابز، گرترو، کتاب اول جانوران، ترجمه محمد رضا بقاپور، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰.



تصویر ۱ ضحاک زنجیر شده در غار کوه دماوند، شاهنامه بایسنقری، ۱۴۳۰/۸۳۴.

۱۴- ساندرزمان ک، بهشت و دوزخ در اساطیر بین النهرین، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳، ص ۸۷

۱۵- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۶، ص ۸۷
16- Serpent et Dragon en Eurasie, Societe des Etudes euro-asiatiques, editions l'Harmattan, Paris, 1997, p.45.

۱۷- دویوکور، مونیگ، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص ۴۱.

۱۸- ملکزاده، ملکه، مطالعه یک مهر ساسانی و مختصری از پیدایش مهر، گزارش های باستانشناسی، ج سوم، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۴، ص ۲۲.

19-Cooper J.C, *Illustrated Encyclopedia of Traditional Symbols*, Thames and Hudson, London, 1968, p.107.

20- Foulon Pierre-Jean, *Dragons d'Orient et d'Occident*, Musée royale de Mariemont Communauté française de Belgique, 1994, p. 5.

21- Drakón

۲۲- گرچه نقاشی مغولی هند خیلی پیش از پایان سده شانزدهم/دهم سبکی را متجلی ساخت که به مراتب، بیشتر از موازین اروپایی سرچشمه می گرفت، ولی در مراحل آغازین خود از هنر ایرانی بسیار آموخت. کشور دیگری که نقاشی ایرانی بر هنر آن تاثیر محسوس داشت، ترکیه بود. در آن جا، ترکان از سنت قوی بومی در نقاشی، بی بهره بودند، ولی سده ها ادبیات ایرانی را در بسیاری از مناطق آن می خواندند و تقلید می کردند. بسیاری از نقاشی های به اصطلاح ترکی سده شانزدهم/دهم، در واقع کار هنرمندان ایرانی بود. (بازیل، گری، سیر نقاشی ایرانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۰۸).

۲۳- همان ص ۹۵.

۲۴- همان ص ۱۵۷.

۲۵- همان ص ۱۵۶.

26-Leveque J. & Menant N., *La peinture islamique et indienne*, editions Rencontre, Lausanne, Paris, 1967, p.30.

این موجود خیالی، دارای دو بال است و از دهان او شعله های آتش بیرون می جهد و در الواح بین النهرین به کرات سخن از اژدها رفته است.^{۱۴} اژدها در اساطیر هند و ایران مظهر پلیدی، تنگسالی و شومی است.^{۱۵}

رابطه اژدها و مار

در برخی از آثار، معنی اژدها با مار یکی می شود و در افسانه ها و ادبیات عامیانه نیز این امر به فراوانی بیان شده است. واژه های "اژدها" و "مار" هر دو می توانند یک معنا و واقعیت را برسانند.^{۱۶} انسان، مار را به صورت اژدهایی مقدس و غول پیکر و جانوری عجیب الخلقه تصویر می کند، از این رو در اساطیر دارای جایگاهی شامخ است.^{۱۷}

مار، خزنده معروف، از جانورانی است که در اساطیر بسیاری از اقوام و ملل به صورت های متفاوت حضور دارد. در فرهنگ اساطیری ایران نیز، مار دارای تجلیات گوناگونی است. چنانکه آمده است:

بر دوش ضحاک دو مار روید که با خوردن مغز سر جوانان، روزگار او را سیاه کردند. مار که به صور گوناگون نمایان می شود، جلوه ای از مظاهر مختلف است: گاه مظهر ارباب انواع دوزخی و یا مظهر آب های زیر زمینی است.^{۱۸} مار، سمبلی جهانی است و اغلب جای خود را با اژدها عوض می کند. حتی در شرق دور، فرقی میان آن دو نیست. مار در سمبل های جهانی مفهوم نابودی و مرگ را به دنبال دارد و پوست اندازی او به معنی زندگی و احیا است.^{۱۹} در برخی از ادبیات و افسانه های اسطوره ای غرب نیز- همچون ایران- مفهوم مار با اژدها یکی می شود. در افسانه های گوناگون، کلمه دراگون^{۲۰} اصطلاحی بسیار خاص برای تداعی ماری است که بدون وقفه بیدار بوده ... و با خدایان و یا قهرمانان، دائم در حال جنگ است.^{۲۱}

اژدها در نگارگری ایرانی

در این بخش به بررسی تصاویر مربوط به اژدها در نگارگری ایرانی پرداخته می شود، ولی با توجه به تاثیر و تاثر آن در برخی از کشورهای همجوار و حتی دور، بعضی از نگاره های اژدها در آثار تصویری کشورهای هند، ترکیه و عرب نیز مورد توجه قرار گرفته اند.

شایان ذکر است که اکثر اژدهایان تصویر شده در نگارگری، تحت تاثیر اژدهای شکل گرفته در فرهنگ و هنر چینی است، اژدهایی که با داشتن چهارپا، ولی فرم مارگونه و پیچشی بدن او، از شاخص های بارز آن است.

می توان گفت که طی سده چهاردهم/هشتم، نقاشی ایرانی، سخت متاثر از مکتب نقاشی چینی^{۲۲} متعلق به سلسله یوآن (۱۳۶۸-۱۳۲۰/۷۷۰-۷۲۰) بوده است.^{۲۳} این تاثیر پذیری بیشتر به لحاظ مرادفات تجاری و سیاسی بازرگانان و سفرا و در برخی موارد، هنرمندان چین و ایران صورت پذیرفته و اوج آن در سده های چهاردهم و پانزدهم / هشتم و نهم انعکاس یافته است. شاهرخ در اوائل سده پانزدهم/نهم از حامیان جدی هنر به شمار می رفت و روابط بسیار خوبی با کشور چین داشت.

در دوره شاهرخ، روابط با چین به قدری نزدیک و پا برجا بوده که در هیچ دوره ای سابقه نداشته است، زیرا تاریخ آن دوره شاهد تبادل سفیران فراوان بین چین و ایران بوده است. در سده چهاردهم/هشتم، نقاشی ایرانی از سبک چینی، عناصر موافق با مقاصد خود را گرفت.^{۲۴}

علاقه وافر شاهرخ به بسط این روابط در دوران پسرش بایسنقر نیز ادامه یافت. وی نیز یکی از بزرگترین حامیان نگارگری ایرانی بود. بایسنقر چهارده سال پیش از پدرش شاهرخ وفات یافت. که او در طول حیاتش بزرگترین حامی نگارگری ایرانی بود. که هم او بود که غیاث الدین نقاش را همراه سفیر شاهرخ در سال های ۱۴۲۳-۱۴۲۰/۸۲۶-۸۲۳ به دربار چین روان ساخت. غیاث الدین در نوشته های خود توجه زیادی به مراسم، آداب و رسوم و نوع پوشاک دربار چین داشته و دیدی هنرمندانه نسبت به جزئیات نشان می دهد. او بیش از دو بار از نقاشی های دیواری «بت پرستان» در معابد بودایی که در طول راه دیده بود، یاد می کند.^{۲۵} تعدادی از نقاشان عصر تیموری تماس هایی بسیار تنگاتنگ با چینی ها داشته اند. غیاث الدین خلیل .ا. حتی به چین سفر کرد و تعدادی از تصاویری را که وی در بازگشت اش نقاشی نمود، محصول آنچه است که او مستقیماً در خاور دور دیده بود.^{۲۶}

در روند پژوهش در مورد ریخت شناسی اژدها در آثار نگارگری و تصویر سازی، فرآیند و سیر تحول فیزیکی طراحی و خلق اژدها با اشکال و صورت های مختلف قابل توجه است، فرآیندی که از طرح ها و شکل های ساده شروع و به گونه های پیچیده و کامل تر ختم می گردد.

در این مسیر، ساختار بدنی مار می‌تواند مبنا و اساس طبقه بندی قرار گیرد. در حقیقت، مار به عنوان شکل اولیه اژدها و اعتقاد بیشتر فرهنگ ها بر این که اژدهای اولیه مار است، این ایده را قوت می‌بخشد. بنابر این بکارگیری اصطلاح «اژدها- مار» برای طرح های ساده و مار گونه اژدها و همچنین القاء و تداعی این مفهوم، مناسب به نظر می‌رسد.

در افسانه ها و داستان ها تعریف اژدها با «مار» سپس «مار بالدار» و بعد «مار پادار» شروع می‌شود، و سپس قسمت های مختلف دیگر به آن افزوده شده و شکل را تکامل می‌بخشد. این مسیر تکامل فیزیکی اژدهاست. به همین دلیل است که «مار» به عنوان ملاک طبقه بندی، سیر تکاملی اژدها را به خوبی در آثار نشان می‌دهد. در این طبقه بندی، یک شیوه مقایسه ای نیز گنجانده شده است. با توجه به تصاویر موجود اژدها در نگارگری و ساختار بدنی آن، پنج گروه اصلی ارائه می‌شود:

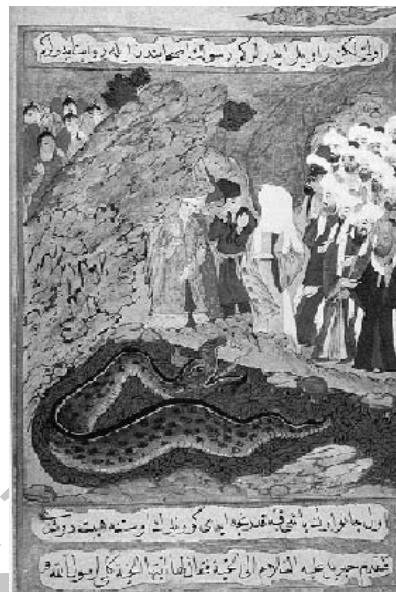
۱- «اژدها- مار»

گروه اول شامل اشکال و طرح های ساده اژدها، برگرفته از مار است: مار عظیم الجثه خزنده و اغلب پیچان که در حالت تهاجمی بوده و دارای ظاهری هراسناک است که اصطلاح «اژدها- مار» برای نامیدن آن مناسب است.

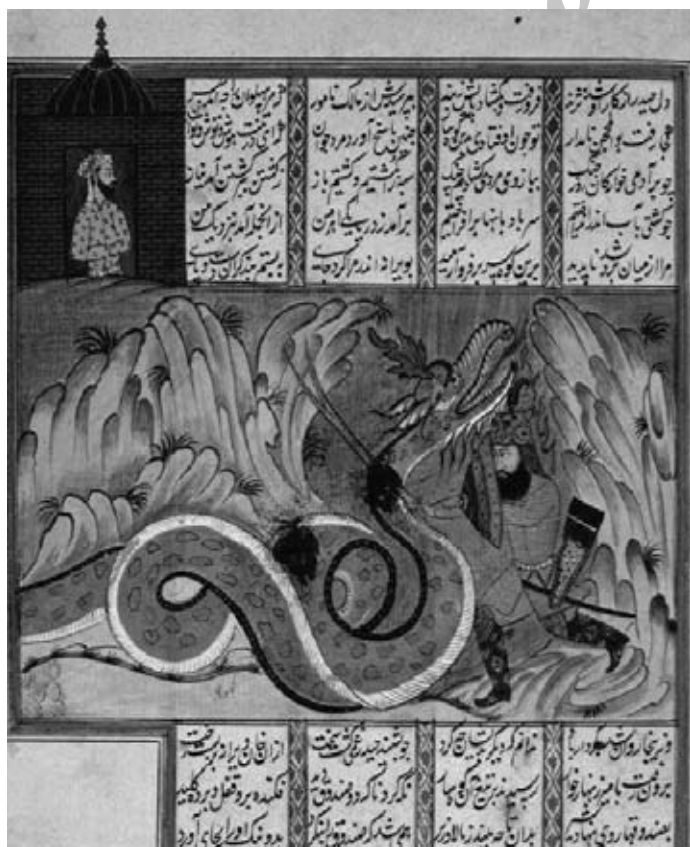
این گونه ای اژدها به لحاظ ظاهر انعطاف پذیر، بدن نرم و پیچشی اش در ترکیب بندی آثار به عنوان عنصر اصلی، نقش بسیار مهمی در استحکام اثر داشته و در دستان هنرمند، وسیله ایجاد ترکیب بندی های خلاقانه و گوناگون است.

نمونه ای از این اژدها در نگاره ای متعلق به سده هفدهم / یازدهم تصویر شده است، که «اژدها - مار» غول پیکری را در حال نبرد با حضرت علی (ع) نشان می‌دهد (تصویر ۲). گردن اژدها به وسیله ضربه شمشیر حضرت علی (ع) (ذوالفقار) زخم عمیقی برداشته در حالی که زخم عمیق دیگری نیز بر روی بدن اژدها دیده می‌شود. هیكل اژدها بسیار بزرگتر از شخصیت های دیگر صحنه ترسیم شده است.

حالت تهاجمی او به وسیله سر برافراشته و دو پیچش بزرگ بدن تشدید شده است. عظیم الجثه بودن بدنش با توجه به این که قسمت بزرگی از بدن او در خارج از کادر قرار گرفته، تشدید می‌شود.



تصویر ۳ پیامبر (ص) اژدهایی را که در راه کاروان قرار دارد رام می‌کند، سده شانزدهم / دهم.



تصویر ۲ نبرد حضرت علی (ع) با اژدها، سده هفدهم / یازدهم.



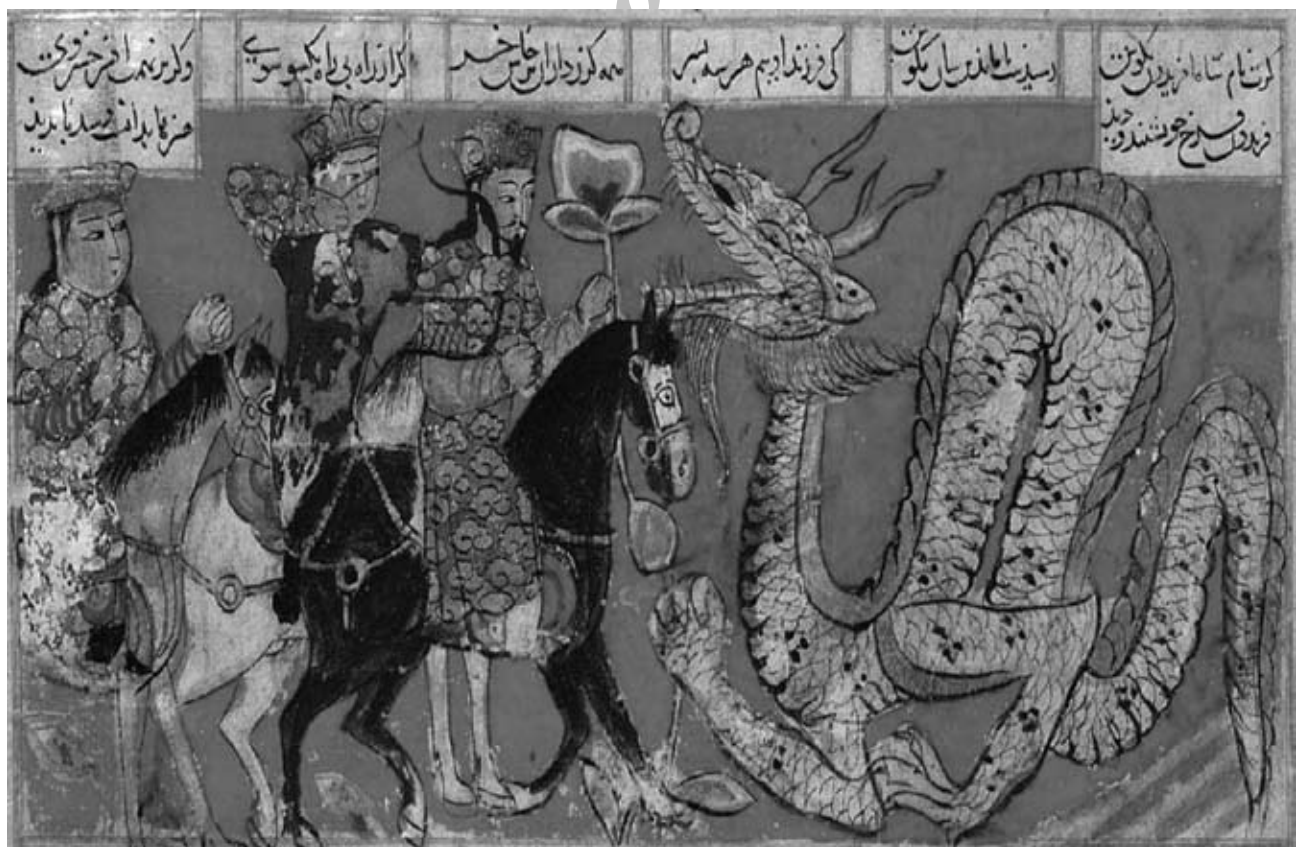
تصویر ۴ نبرد رستم با اژدها، شاهنامه، ۱۲۱۵/۱۸۰۰.

در این نگاره، اژدها در حالتی پویا و تهاجمی مجسم شده، در حالی که در تصویری دیگر، این موقعیت تهاجمی تبدیل به وضعیتی تدافعی و آرام گردیده است (تصویر ۳). در این جا پیامبر (ص) در حال رام کردن «اژدها - مار» بر سر راه یک کاروان است. به همین دلیل، اژدها در این صحنه، اشکال پیچشی و گره های بدن خود را از دست داده و حالتی نرم مواج به خود گرفته است.

۲- «اژدها-مار» دو پا

این نوع اژدها، دارای بدنی کاملتر نسبت به نوع قبلی است، دو پا به بدن مار اضافه شده که توانایی سیستم حرکتی او بیشتر می گردد. با توجه به تصاویر موجود، دو پا به قسمت جلویی بدن اژدها وصل گردیده و قسمت انتهایی بدن که بزرگترین و بیشترین حجم بدن را تشکیل می دهد، حالت مارگونه خود را حفظ نموده است. بنابراین، خصوصیات مار از قبیل پیچش و حلقه زدن دور خود (چنبره زدن) در این گروه نیز به طور بارز مشاهده می گردد. در نسخه ای از شاهنامه متعلق به ۱۲۱۵/۱۸۰۰، (تصویر ۴) اژدهایی وجود دارد که دارای سر و پوزه ای به شکل چهارپایان است. قسمت جلویی بدن این اژدها، شبیه به چهارپایان بوده که در انتها با کشیدگی بدن به فرم مار پیچش دار ختم می شود. هنرمند، اژدها را با تعداد زیادی تیر فرو رفته در بدن، در حالت نبرد با رستم به تصویر کشیده است. نمونه دیگر، (تصویر ۵) تصویر «اژدها - مار» با دو پای بسیار تنومند و غول پیکری است که با اسفندیار می جنگد.

این اژدها به لحاظ ظاهر، بسیار خارق العاده می باشد. مار چنبره زده با دو پیچش بزرگ، سری بسیار حجیم نسبت به بدن، دهان گشاده و دندان های بسیار تیز و درنده، در حال بلعیدن یکی از اسب های اسفندیار است. در این



تصویر ۵ نبرد اسفندیار با اژدها، شاهنامه.

به نظر می‌رسد همین اژدها در صحنه ای دیگر (تصویر ۶) (نبرد فریدون با اژدها)، با حلقه های باز شده بدن و تبدیل آن به انحنای عمودی حضور یافته است. در این تصویر، سر اژدها با دو شاخ بزرگ، کوچکتر و متناسب با بدن ترسیم شده است. همچنین، نحوه طراحی پاها و اتصال آن به بدن نیز به وضوح مشاهده می‌شود. فضای صحنه به دو قسمت تقریباً مساوی تقسیم شده و بدن تنومند اژدها در قسمت راست و فریدون و همراهانش در سمت چپ قرار گرفته‌اند

۳- «اژدها- مار» دوپای بالدار

در فرایند تکامل ساختاری و توانایی فیزیکی بدن، عضو مهم دیگری نیز، دو پا به بدن «اژدها- مار» افزوده می‌شود که می‌تواند قابلیت حرکت، جابجایی و هجومی بیشتری به او داده و توانایی او را تکامل بخشد.

بال وسیله حرکتی موثری است که قدرت، تسلط و چیرگی در حیطه زمین و همچنین در قلمرو آسمان را به این نوع اژدها اعطا می‌کند که از مشخصات بازر این گونه اژدهاست. بنابراین، وظیفه قهرمان داستان در نبرد با این اژدها و هلاکت او، بسیار سخت تر و دشوارتر می‌گردد.

در صحنه تصویر شده نبرد اسفندیار و اژدها، (تصویر ۷) متعلق به سده هجدهم/دوازدهم، «اژدها- مار» بالدار در حال پیکار با اسفندیار است که به لحاظ شکل بدنی پیچیده تر از نمونه‌های قبلی است: بدنی با پیچش‌ها و انحنای زیاد (که حتی در انتهای دم نیز به پیچ‌های کوچکی ختم می‌شود)، دو پای کلفت و قطور که هر کدام به یک بال متصل است، پنجه‌هایی با ناخن‌های تیز و سری شاخدار، که زبانه‌های آتش از دهان خارج می‌کند. بدن گره خورده اژدها در این تصویر، دو سوم فضای اثر را به خود اختصاص داده و اسفندیار را در گوشه سمت راست تهدید می‌کند. این اژدها بیشتر به اژدهای غربی شبیه است تا نوع چینی آن و یکی از نادرترین اژدهایانی است که در نگارگری به نمایش گذاشته شده است.



تصویر ۶ نبرد فریدون با اژدها، شاهنامه.



تصویر ۷ نبرد اسفندیار و اژدها، شاهنامه، سده هجدهم/دوازدهم.

۴- «اژدها - مار» چهارپا

این گروه تصویر اژدهایی را در خود جای داده که با حفظ خصوصیات گروه‌های قبلی (به استثنای بال) در زمره چهارپایان قرار می‌گیرد، ولی بدن مارگونه اش هنوز بسیار قابل توجه تر از سایر مشخصات اوست. یکی از بهترین نمونه‌ها، در صحنه نبرد بهرام گور با اژدها، در نگارگری متعلق به سده چهاردهم/هشتم (تصویر ۸) ترسیم شده است. در این صحنه «اژدها - مار» بزرگی وجود دارد که دو پا در قسمت جلو و دو پا در قسمت انتهایی بدن دارد. به نظر می‌رسد، چنانچه چهار پای جانور را از بدن او حذف کنیم، «اژدها - مار» اولیه را با بدنی مواج ملاحظه خواهیم نمود. در این اثر هم، اژدها بخش اعظمی از ترکیب بندی را اشغال می‌کند. اژدها در قسمت پایین تابلو در حال فرار از تیررس بهرام گور، سر خود را به حالت تهدید به طرف او برگردانده است. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، تاثیر هنر چینی به خصوص در طراحی اژدها بر هنر نگارگری ایرانی غیرقابل انکار است. تصاویر بسیاری از اژدهای ایرانی در نگارگری وجود دارد که یا به صورت کامل و یا در پاره‌ای موارد با تغییراتی اندک، برگرفته از اژدهای چینی است. این تاثیرات، زمانی که آن‌ها را با اژدهای چینی نقش برجسته دیر میائوینگ^{۲۷} (تصویر ۹) و یا دیگر آثار چینی مقایسه کنیم، بیشتر نمودار می‌گردد.

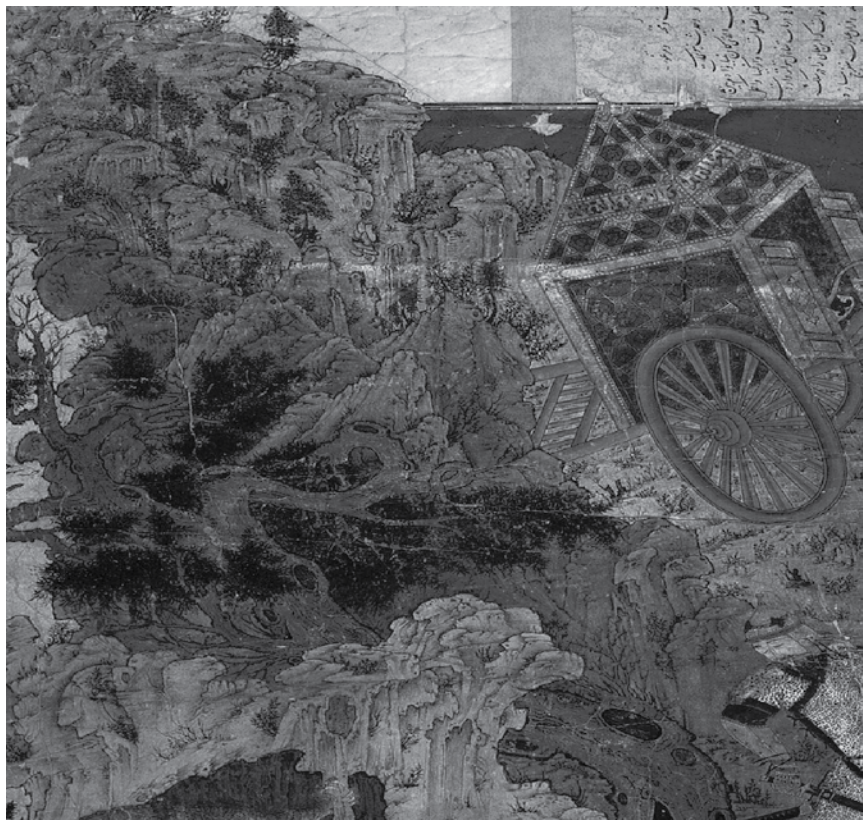


تصویر ۸ نبرد بهرام گور با اژدها، شاهنامه، شیراز، ۷۳۱/۱۳۷۱.



تصویر ۹ نقش برجسته اژدها، چین، دیر میائوینگ.

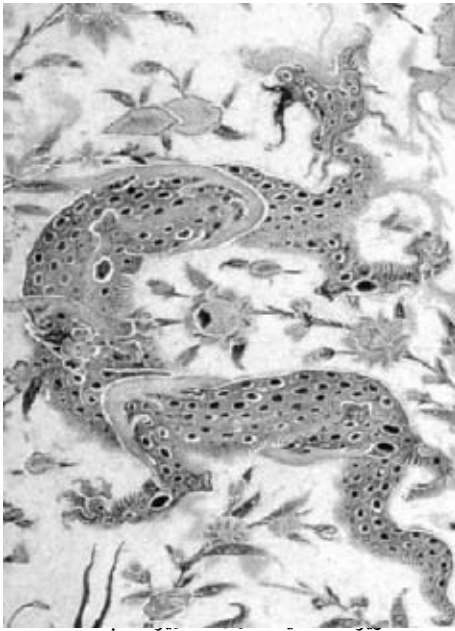
در برگی دیگر از نسخه مصور شاهنامه فردوسی، (تصویر ۱۰) متعلق به نیمه دوم سده چهاردهم/هشتم، نبرد اسفندیار با اژدها در قسمت پایین تابلو به تصویر کشیده شده که در گوشه سمت راست، اسفندیار در حال حمله به اژدهاست در حالی که اژدها در سمت چپ، موضعی تدافعی به خود گرفته است. این اژدها نیز از نوع «اژدها-مار» چهار پا است و ظاهر کامل اژدهای چینی را دارد. تاثیرپذیری این اژدها از همتایان چینی خود را می توان با مقایسه آن با طرح های آب مرکبی نه اژدها (تصویر ۱۱) در سده سیزدهم/هفتم مشاهده نمود. میزان نفوذ و تاثیر اژدهای چینی و علاقه وافر هنرمندان نگارگر ایرانی به تقلید از آن، با فراوانی استفاده از اژدهای چینی در نگارگری ایرانی (هندی، ترکی و عربی) بیشتر مشخص می گردد.



تصویر ۱۰ نبرد اسفندیار با اژدها، شاهنامه، تبریز، نیمه دوم سده چهاردهم/هشتم.



تصویر ۱۱ تصویر سازی چینی، نه اژدها، چن رونگ، سلسله سونگ، ۱۲۴۴ سده سیزدهم/هفتم.



سعیدی، منسوب به آقا میرک، ۹۳۷/۱۵۳۰.



تصویر ۱۳ اژدها، قسمتی از اثر، منسوب به مسکین، ۹۹۷/۱۵۹۰.

نمونه های عینی و تاثیر آن، در نگاره ای منسوب به آقا میرک^{۲۸}، حاشیه نگاری تصاویر کتاب گلستان (تصویر ۱۲)، اثری منسوب به مسکین (تصویر ۱۳) و منصور عبد مظفر علی^{۲۹} (تصویر ۱۴) ملاحظه می گردد.

اژدهای چینی در برخی از آثار، ظاهر کاملاً چینی خود را از دست داده است و برخی از نگارگران تغییراتی به لحاظ طرح و شیوه طراحی با اضافه و کم نمودن بعضی از اجزاء بدن در آن ایجاد نموده اند.

برای مثال، اژدهای چینی عموماً دارای پنجه پرندگان شکاری، به ویژه عقاب است در حالی که در برخی از نگاره های ایرانی، اژدها با پنجه های شیر یا دیگر چارپایان به نمایش در آمده و در برخی موارد هم، زاویه دید نگارگر به صحنه نبرد و شیوه طراحی اژدها، باعث ایجاد تغییراتی در آن گردیده است. در نگاره نبرد گشتاسب با اژدها، (تصویر ۱۵) مربوط به سده هفدهم/یازدهم، اژدهایی در حال پایین آمدن از کوه ترسیم شده که حالت و شکل بدن او به تمساح و مارمولک های عظیم الجثه شباهت بسیار زیادی دارد. از سوی دیگر، با آنکه در فرم بدن اژدها در طول زمان تغییراتی به وجود آمده، ولی در بیشتر آثار، سر اژدها به همان شکل اژدهای چینی باقی مانده است.



تصویر ۱۴ نبرد مرد سوار کار با اژدها، منصور عبد مظفر علی، تبریز یا قزوین، ۱۵۵۰ - ۱۵۴۰/۹۵۷-۹۴۷.



تصویر ۱۵ نبرد گشتاسب با اژدها، شاهنامه، ۱۶۰۰-۹۸۷/۱۵۰۷-۱۵۸۰.

۲۸- جلال الدین حسینی، معروف به آقا میرک اصفهانی از بهترین شاگردان بهزاد است. وی از سادات اصفهان بود و در دربار شاه طهماسب کار می کرد. از این هنرمند چندین تابلوی نگارگری در شاهنامه شاه طهماسب و خمسه نظامی بر جای مانده است. (محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، پیشین، ص ۲۰۷)

۲۹- مظفرعلی از شاگردان و خواهر زاده بهزاد است. پدر او حیدرعلی، اهل تربت بود. مظفرعلی از مهمترین نقاشان دربار شاه طهماسب بود، در زمانی که پایتخت صفویان به قزوین انتقال یافت، وی نیز به قزوین رفت و نقاشی های تالار چهل ستون و قصر شاهی را به انجام رسانید. از ویژگی های نگاره های برجای مانده این هنرمند استفاده زیاد او از رنگ طلایی است. چند نقاشی از نسخه خطی خمسه نظامی به امضای این هنرمند است. مظفرعلی در خوشنویسی نیز استاد بود. (برای اطلاعات بیشتر رک به: همان، ص ۱۹۹۳)

با گشوده شدن دروازه های تمدن غرب به ایران و شروع مراودات خصوصاً در دوره صفویان، تصویر اژدهای غربی نیز وارد نگارگری ایرانی گردید. از میان نقاشان معروف این دوره که تحت تاثیر هنر غربی بود، محمد زمان^{۳۰} رامی توان بارزترین آن ها دانست. در نقاشی های محمد زمان، شیوه جدیدی دیده می شود. اژدهای تصویر شده توسط محمد زمان (تصویر ۱۶) نمونه تاثیر پذیرفته اژدهای غربی است (با آنکه سری به ظاهر کم و بیش شبیه اژدهای چینی دارد)، اژدهایی که بر روی چهار پای خود بلند شده و دارای دمی مار گونه و پیچ و تاب خورده و پنجه های شیر است. در بعضی از آثار نگارگری، اژدها از کارکرد مبارزه و جنگیدن خارج شده و حالت تزئینی به خود می گیرد. در برخی از این آثار، (تصویر ۱۷) نقش اژدها با آرایه های تزئینی گیاهی طبیعی یا تجریدی و گهگاه جانوری به نمایش در آمده است. گونه ای از آثار هم، نمایش نبرد اژدها با حیوانات درنده دیگر، نظیر شیر است. یکی از این نگاره ها، که توسط محمد باقر تصویر شده، (تصویر ۱۸) شیر بزرگی را نشان می دهد که قسمتی از بدن اژدها را در میان آرواره های قوی خود می فشارد، در حالی که اژدها دور بدن او حلقه زده است.



تصویر ۱۶ نبرد بهرام گور با اژدها، سده هفدهم/یازدهم.



تصویر ۱۷ اژدها در میان برگ های تزئینی، ۹۲۷/۱۵۶۵.



تصویر ۱۸ نبرد شیر و اژدها، سده هفدهم/یازدهم.

۳۰- شاه عباس دوم که شیفته غرب بود، در اوایل حکومت خود، محمد زمان و دیگر نقاشان ایرانی را به رم فرستاد تا به تحصیل بپردازند. محمد زمان در ایتالیا مسیحی شد. به طور یقین محمد زمان و همراهانش از رم، نمونه هایی از نقاشی ایتالیا را با خود آوردند. (بازیل، گری، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، پیشین، ص ۳۹۲)

در مسیر خلاقیت های هنری نگارگران در خلق اژدها، با نمونه های خاصی از این موجود افسانه ای روبرو می شویم که نشانی از تلاش آن ها در آفرینش اژدهایان منحصر بفرد است. در نگاره ای از کتاب عجائب المخلوقات قزوینی^{۳۱}، (تصویر ۱۹) نگارگر، اژدهایی با صورت انسانی رسم نموده است.

در واقع پیکره اصلی اژدها، ماری بزرگ است که دارای چهار پا بوده و صورتی انسانی با خال های فراوان دارد. به نظر می رسد، دو بال بر روی بدن او بیشتر حالت تزئینی دارد تا کاربردی. اژدها در حال نبرد با مارهایی است که او را احاطه کرده اند، در حالی که در میان هر یک از پنجه هایش ماری در چنگ دارد.

۵- «اژدها- مار» چندسر

در ادامه این روند خلاقانه، به اژدهایانی چند سر برخورد می کنیم که به لحاظ تعدد سرها، از ظاهری وحشتناک تر برخوردار هستند. نبرد با آن ها در توان مردان برگزیده، خاص، دلیر و شجاع است.

نمونه ای از این گروه، نگاره ای از خمسه نظامی^{۳۲} است (تصویر ۲۰) که ماهان را سوار بر اژدهای هفت سر بالدار نشان می دهد، که بر خلاف اژدهای هفت سر قبلی، دارای چهار پا است.^{۳۳} در این جا دیوان و ددان، ماهان و اژدها را محاصره نموده اند در حالی که آتش در دست دارند. بال های اژدها به طرز عجیبی به بدن اش وصل شده و بیشتر حالت و کارکرد زین را دارد. سرهای اژدها با تحرک فراوان در اطراف بدن او قرار گرفته اند. در این نگاره، اژدها، رام ماهان گردیده است.^{۳۴}



تصویر ۱۹- اژدها با سر انسانی در حال جنگ با ماران، عجائب المخلوقات قزوینی، سده شانزدهم / دهم.

۳۱- عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات (شگفتی های آفریدگان و موجودات) کتابی است در زمینه کیهان نگاری نوشته زکریا قزوینی ایرانی تبار که به زبان عربی نوشته شده است. تاریخ نگارش عجائب المخلوقات را به سال ۶۷۸/۱۲۸۰ گزارش کرده اند. در آن، در مورد تمام کائنات روی زمین، ماه ها، فصول سال، ستارگان، زمین، کوه ها، دریاها، رودها، جانوران، و تمام موجودات دنیا سخن رفته است.

(www.wikipedia.org/، ۱۳۸۸/۴/۸، ۱۱:۴۵)

۳۲- خمسه نظامی یا پنج گنج، اثر نظامی گنجه ای و شامل پنج مثنوی است: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندر نامه. خمسه نظامی به سبب اهمیت، مورد تقلید گروه بسیاری از شاعران واقع شده است. (همان، ص ۴۸۵).

۳۳- «هفت پیکر» که نام دیگر آن «بهرام نامه» است، چهارمین مثنوی از خمسه نظامی به شمار می آید. این مثنوی از هفت داستان تشکیل شده که داستان گنبد پیروزه ای (داستان ماهان و دیوان) یکی از زیباترین آنهاست:

تاز پایش چرا آمد پسر کرد ماهان در اسب خویش نظر
خویش را بر اژدهایی دید زیر خود محنت و بلایی دید
وین عجب که هفت بودش سر اژدهای چهار پای دوپسر
چه عجب کازدهای هفت سرست فلکی کو که به گرد ما کمرست
(برای اطلاعات بیشتر ر. ک به: محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، پیشین، صص ۲۲۸۴-۲۲۸۳)

۳۴- شخصیت های دیگری نیز وجود دارند که رام کننده اژدها هستند، همانند آنچه که در تصویر شماره ۲ دیده می شود، جایی که پیامبر (ص) در حال رام کردن اژدهاست.



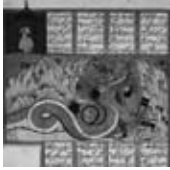


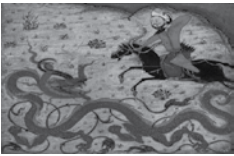

تصویر ۲۰ ماهان نشسته بر روی اژدهای هفت سر بالدار در حالی که دیوان و ددان حامل آتش، آن‌ها را احاطه کرده‌اند، خمسه نظامی، ۹۱۱/۱۵۰۵.

در کتاب خاوران نامه، در یکی از صحنه های نبرد، (تصویر ۲۱) حضرت علی (ع) در حال پیکار و ستیز با اژدهایی هفت سر ترسیم شده است. یکی از سرهای اژدها، از بدن جدا شده و به زمین افتاده و زخم بزرگی نیز بر روی بدن او توسط شمشیر (ذوالفقار) حضرت به وجود آمده است. در اطراف صفحه نیز، سرهای بریده و قطعاتی از بدن دیوان وجود دارد. این اژدها همانند «اژدها- مار» اولیه است. با این که دارای هفت سر است ولی بدنی مار گونه و بدون پا دارد. در انتهای بحث، با ارائه جدولی، روند تکامل شکل اژدها بر اساس طبقه بندی، از یک مار ساده به اژدهای مار گونه پیچیده هفت سر، به نمایش گذاشته شده است.



تصویر ۲۱ حضرت علی با اژدهای هفت سر می جنگد، خاوران نامه، ۱۰۹۸/۱۶۸۶.

جدول سیر تحول و طبقه بندی فرمی و ساختاری اژدها

شماره	گروه	نسخه خطی	موضوع	تاریخ	تصویر اژدها
۱	"اژدها-مار"	_____	نبرد حضرت علی (ع) با اژدها	هفدهم / یازدهم	
۲	اژدها-مار "دو پا"	شاهنامه	نبرد اسفندیار با اژدها	_____	
۳	اژدها-مار "دو پا" بال دار	شاهنامه	نبرد اسفندیار با اژدها	هجدهم / دوازدهم	
۴	اژدها-مار "چهار پا"	شاهنامه	نبرد اژدها با بهرام گور	۷۷۳/۱۳۷۱	
۵	اژدها-مار "چند سر"	خمسه نظامی	ماهان نشسته بر روی اژدهای هفت سر بالدار	۹۱۱/۱۵۰۵	



نتیجه گیری

در فرهنگ اسطوره ای و ادبیات داستانی، در بسیاری از موارد، مار به عنوان موجودی مترادف با اژدها توصیف شده است، بنابراین می تواند مبنای مناسبی برای طبقه بندی انواع گوناگون اژدها باشد. اژدها در نگارگری ایرانی متأثر از اژدهای چینی بوده ولی نمونه هایی نیز وجود دارد که تاثیر اژدهای غربی را در نگارگری نشان می دهد. در بین پنج گروه مختلف ارائه شده از اژدها، یعنی اژدهامار، اژدها دوپا، اژدها مار دوپا بالدار، اژدها چهارپا و اژدها مار چندسر. گروه «اژدها - مار» چهارپا بیشترین مورد استفاده در نگارگری ایران را داشته، بنابراین می توان گفت که از محبوبیت بیشتری نزد نگارگران برخوردار بوده است.

خصوصیات بارز اژدها ماران در هر گروه بر اساس طبقه بندی سیر تکامل این نقش مایه چنین است: در تصاویر مشاهده شده از «اژدها-مار» به صورت ساده، اشکال و طرح های ساده اژدها، برگرفته از نقش ماری عظیم و پیچان، با ظاهری ترسناک است. در نگاره های «اژدها-مار دو پا»، اژدها با بدنی تکامل یافته با دو پای اضافه با همان حالت مارگونه بروز می کند. «اژدها-مار دو پای بالدار» نشان از اژدهایی دارد که پاها و بالهای افزوده شده به آن، قابلیت حرکت و جابه جایی بیشتری به او داده و توانایی هایش را افزایش داده است. «اژدها-مار چهار پا» نیز در همین راستا و در زمره چهارپایان قرار می گیرد ولی فرم مارگونه اش هنوز بسیار قابل توجه تر از سایر مشخصات اوست. در نهایت «اژدها-مار چند سر» به لحاظ تعدد سرها از ظاهری وحشتناک تر برخوردار است و نبرد او در توان مردان خاص و شجاع است.

ترکیب بندی صحنه های نبرد اژدها با قهرمان در نگاره های موجود، دو شیوه اصلی را به وجود آورده است که می توان بیشتر آن ها را در این قالب گنجانند:

- ۱- ترکیب بندی خطی یا افقی، که در آن کشنده اژدها یا قهرمان داستان، در گوشه ای از تصویر و اژدها در گوشه دیگر، درست روبروی هم و در یک خط افقی قرار گرفته اند (تصاویر ۶ و ۴ و ۳).
- ۲- ترکیب بندی مورب (گاه عمودی) که در آن اژدها کش، بالاتر از اژدها در خطی مایل نسبت به او قرار گرفته، در حالی که اژدها در گوشه پایینی تصویر شده است (تصاویر ۱۰ و ۹)

فهرست تصاویر

- ۱- ضحاک زنجیر شده در غار در کوه دماوند، شاهنامه بایسنقری، ۸۳۴/۱۴۳۰، منبع ۲۴.
- ۲- ۳- پیامبر(ص) اژدهایی را که در راه کاروان قرار دارد رام می کند، سده شانزدهم/دهم. منبع ۲۵.
- ۳- نبرد حضرت علی(ع) با اژدها، نگارگری سده هفدهم/یازدهم، منبع ۲۴.
- ۴- نبرد رستم با اژدها، نسخه دستنویس شاهنامه، هند، ۱۲۱۵/۱۸۰۰. منبع ۱۵، ص ۳۶.
- ۵- نبرد اسفندیار با اژدها، شاهنامه، منبع ۱۵، ص ۵۷.
- ۶- نبرد فریدون با اژدها، شاهنامه، منبع ۲۵.
- ۷- نبرد اسفندیار و اژدها، شاهنامه، ایران، سده هجدهم/دوازدهم، منبع ۲۵.
- ۸- نبرد بهرام گور با اژدها، شاهنامه، شیراز، ۷۷۳/۱۳۷۱، منبع ۲۱.
- ۹- نقش برجسته اژدها، چین، دیر میانوینگ، منبع ۲۰.
- ۱۰- نبرد اسفندیار با اژدها، شاهنامه، تبریز، نیمه دوم سده چهاردهم/هشتم، منبع ۲۰.
- ۱۱- تصویر سازی چینی، نه اژدها، چن رونگ، سلسله سونگ، ۶۴۲/۱۲۴۴، مرکب و رنگ روی کاغذ، موزه هنرهای زیبا بئستن، منبع ۱۹.
- ۱۲- حاشیه نگاری تصاویر کتاب گلستان سعدی، منسوب به آقا میرک، ۹۳۷/۱۵۳۰، منبع ۲۲.
- ۱۳- اژدها، قسمتی از اثر، منسوب به مسکین، ۹۹۷/۱۵۹۰، موزه بریتانیا، لندن، منبع ۱۸.
- ۱۴- نبرد مرد سوار کار با اژدها، منصور عبد مظفر علی، تبریز یا قزوین، ۱۵۵۰-۹۵۷/۱۵۴۰-۹۴۷، منبع ۲۲.
- ۱۵- نبرد گشتاسب با اژدها، شاهنامه، ۱۶۰۰-۱۰۰۷/۱۵۸۰-۹۸۷، منبع ۲۵.
- ۱۶- نبرد بهرام گور با اژدها، سده هفدهم/یازدهم، محمد زمان، ۱۰۸۲/۱۶۷۵، منبع ۲۵.
- ۱۷- اژدها در میان برگ های تزیینی، عثمانی، ۹۷۲/۱۵۶۵، منبع ۲۲.
- ۱۸- نبرد شیر و اژدها، محمد باقر، سده هفدهم/یازدهم، منبع ۲۲.
- ۱۹- اژدها با سر انسانی در حال جنگ با ماران، عجائب المخلوقات قزوینی، سده شانزدهم/دهم، ایران، منبع ۲۲.
- ۲۰- نبرد حضرت علی با اژدهای هفت سر، خاوران نامه، ۱۰۹۸/۱۶۸۶، منبع ۲۵.
- ۲۱- ماهان نشسته بر روی اژدهای هفت سر بالدار در حالی که دیوان و ددان حامل آتش آنها را احاطه کرده اند، خمسه نظامی، ۹۱۱/۱۵۰۵، منبع ۲۵.

فهرست

- ۱- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۶.
- ۲- درویش، محمدرضا، گامی در اساطیر، اصفهان، انتشارات بابک، ۱۳۵۵.
- ۳- دویو کور، مونیگ، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- ۴- رضائی، عبدالعظیم، تاریخ دو هزار ساله ایران، ج اول، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۳.
- ۵- ساندرزمان ک.، بهشت و دوزخ در اساطیر بین النهرین، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳.
- ۶- جابز، گرتزود، کتاب اول جانوران، ترجمه محمد رضا بقاپور، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- ۷- عناصری، جابر، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- ۸- قزوینی، زکریا محمد بن محمود، عجائب المخلوقات، به اهتمام نصراله صبوحی، تهران، بی تا، بی تا.
- ۹- گری، بازیل، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷.
- ۱۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۵، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۱- ملکزاده (بیانی)، ملکه، مطالعه یک مهر ساسانی و مختصری از پیدایش مهر، گزارش های باستانشناسی، ج سوم، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۴.
- ۱۲- هندرسن، جوزف، اساطیر باستانی (انسان امروز) انسان و سمبولهایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۷.
- ۱۳- یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیری و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۵۷.

14- Cooper J.C., *Illustrated Encyclopedia of Traditional Symbols*, Thames and Hudson, London, 1968.

15 - Leveque J. & Menant N., *La peinture islamique et indienne*, editions Rencontre Lausanne, Paris, 1967.

16- Serpent et Dragon en Eurasie, *Societe des Etudes euro-asiatiques*, editions l'Harmattan, Paris, 1997.

17- Foulon Pierre-Jean, *Dragons d'Orient et d'Occident*, Musée royale de Mariemont Communauté française de Belgique, 1994.

18- Okada, Amina, *Indian Miniatures of the Mughal Court*. Translated by Deke Dusinberre, Harry N. Abrahms, Inc. Publishers, New York, 1992.

19- www.art-virtue.com/painting/history/sung/sung.htm

20- www.bychinese.com

21- www.chodoc.ir/p-a/changed/49/html/htm

22- www.dragon/fantastic Animals.htm

23- www.fa.wikipedia.org

24- www.fr.wikipedia.org/wiki/Zahhak

25- www.monsterbrain.com